



فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران



مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب ایده آلیسم یا آرمان گرایی

هسته شناسی ایده آلیسته

جهان هسته متشکل از دو بخش است :

- 1- جهان نمودی عینی و غیر اصیل که ما در آن زندگی می کنیم و جایگاه تغییر ، تحول ، نقص و بی نظمی است
- 2- جهان حقیقی یا عالم کبیر که جایگاه حقایق ، مفاهیم و ایده های کلی ثابت ، منظم و قانونمند است

انسان شناسی ایده آلیسته

انسان مرکب از جسم و روح است و ماهیت حقیقی و اصیل انسان همان روح و ذهن اوست که بر جسم او احاطه دارد و جاودانه است . روح انسان قبل از تولد در همان عالم کبیر می زیسته و همه حقایق و اشیای کامل را دیده و با آنها آشناست ، اما به واسطه تولد و آمدن به این دنیا در زندان محدود جسم گرفتار شده و به همین دلیل ، فهم و ذهنش دچار نقصان و فراموشی شده و آن حقایق را که برای ادامه حیات واقعی اش ضروری هستند موقتاً از یاد برده است و باید کاری کرد تا او دوباره آنها را تا جایی که مقدور است به یاد آورد . در حقیقت ، درجه انسانیت انسان نیز منوط به میزان یادآوری آن حقایق و استفاده از آنها در زندگی است

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب ایده آلیسم یا آرمان گرایی

هسته شناسی ایده آلیسته

جهان هسته متشکل از دو بخش است :

- 1- جهان نمودی عینی و غیر اصیل که ما در آن زندگی می کنیم و جایگاه تغییر ، تحول ، نقص و بی نظمی است
- 2- جهان حقیقی یا عالم کبیر که جایگاه حقایق ، مفاهیم و ایده های کلی ثابت ، منظم و قانونمند است

انسان شناسی ایده آلیسته

انسان مرکب از جسم و روح است و ماهیت حقیقی و اصیل انسان همان روح و ذهن اوست که بر جسم او احاطه دارد و جاودانه است . روح انسان قبل از تولد در همان عالم کبیر می زیسته و همه حقایق و اشیای کامل را دیده و با آنها آشناست ، اما به واسطه تولد و آمدن به این دنیا در زندان محدود جسم گرفتار شده و به همین دلیل ، فهم و ذهنش دچار نقصان و فراموشی شده و آن حقایق را که برای ادامه حیات واقعی اش ضروری هستند موقتاً از یاد برده است و باید کاری کرد تا او دوباره آنها را تا جایی که مقدور است به یاد آورد . در حقیقت ، درجه انسانیت انسان نیز منوط به میزان یادآوری آن حقایق و استفاده از آنها در زندگی است

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب ایده آلیسم یا آرمان گرایی

معرفت شناسی ایده آلیست

علم حقیقی عبارت است از همان حقایق کلی ، جاوید ، ثابت و بی نقص در عالم مُثل یا عالم کبیر . یادگیری نیز فرایندی عقلانی است که به هدف یادآوری و آگاهی یافتن از آن حقایق انجام می گیرد . آن ایده های کلی و ثابت در عالم کبیر یا مُثل (علم) از طریق استفاده از حواس (تجربه ، تحقیق در طبیعت و آزمایش) حاصل نمی شوند ، بلکه باید از طریق رشد اخلاقی ، رشد شخصیت ، عقل و تفکر و شهود و در خود نگری به آنها دست یافت .

استلزامات تربیت ایده آلیست

(تاثیر دیدگاه های هستی شناختی ، انسان شناختی و معرفت شناختی ایده آلیستها بر تعریف ، اهداف ، روش ها ، برنامه ها ، محتوا و مراحل تربیت)

تربیت در نگاه ذهن گرایان عبارت است از " فرایند شکوفاسازی حقایق و استعدادهای درونی يك فرد (آوردن حقایق از ضمیر ناخودآگاه به ضمیر خودآگاه انسان) " و هدف از تربیت نیز چیزی جز " هماهنگ ساختن یا همذات سازی انسان با حقایق عالم کبیر " نمی باشد .

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب رئالیسم یا واقع گرایی

حامیان رئالیسم بعدها خود به چندین دسته تقسیم شدند (برخی خدا باورند و برخی خدا ناباور ، برخی به وجود روح در انسان معتقدند و برخی خیر)

هسته شناسی رئالیست

چیزی به نام عالم کبیر یا مُثُل وجود ندارد (عالم مُثُل تنها یک تخیل و توهم است) . جهان حقیقی و اصیل همین جهان اطراف ماست و ما باید حقایق اصیل را از کار بر روی همین دنیا بدست آوریم و از آن حقایق برای رسیدن به خوشبختی و سعادت بهره ببریم

انسان شناسی رئالیست

از دید ارسطو ، سیر تکاملی موجودات هستی نهایتاً منجر به پیدایش موجودی به نام انسان شد و این انسان به دلیل برخورداري از عقل در راس سلسله موجودات قرار دارد . انسان هم دارای جسم مادی است و هم دارای نفس یا ذهن غیر مادی (ثنویت ارسطویی در اینجا نیز مشهود است) یعنی هم غرایز و نیازهای جسمانی دارد و هم ذهن و عقلي برای اندیشیدن و همانند کل هستی به سوی هدفی از پیش تعیین شده در حال حرکت است .

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب رئالیسم یا واقع گرایی

حامیان رئالیسم بعدها خود به چندین دسته تقسیم شدند (برخی خداپاورد و برخی خدا ناباور ، برخی به وجود روح در انسان معتقدند و برخی خیر)

معرفت شناسی رئالیست

هماهنگ با ثنویت انسان شناختی در رئالیسم (یعنی انسان مرکب از حواس و اندیشه است) ، رئالیستها معتقدند شناخت یا کسب علم نیز در دو مرحله صورت می گیرد : ابتدا استفاده از حواس و مشاهده تجربی و آزمایش بر روی آنچه در دنیای اطراف ما وجود دارد (یعنی شناخت حسی) و سپس استفاده از عقل برای تصحیح و تکمیل اطلاعات بدست آمده از شناخت حسی (یعنی شناخت عقلانی) . شناخت حسی اطلاعاتی در باره اجزای مادی به ما می دهد و ذهن به محض دریافت آن اطلاعات شروع به طبقه بندی آنها و مفهوم سازی می کند .

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب رئالیسم یا واقع گرایی

حامیان رئالیسم بعدها خود به چندین دسته تقسیم شدند (برخی خدا باورند و برخی خدا ناباور ، برخی به وجود روح در انسان معتقدند و برخی خیر)

معرفت شناسی رئالیستی

تأثیر دیدگاه های هستی شناختی ، انسان شناختی و معرفت شناختی رئالیستها بر تعریف ، اهداف ، روش ها ، برنامه ها ، محتوا و مراحل تربیت

رئالیستها همانگ با هستی شناسی و معرفت شناسی شان معتقدند پایه و اساس آموزش و پرورش باید تجربه ، آزمایش ، کارورزی و تمریناتی باشد که استعداد بالقوه افراد را برای اینکه مشاهده گری دقیق و کشف واقعیت شوند پرورش دهد . به عقیده آنها ، این کار سبب دقت افراد در شناخت واقعیات جهان می شود و این معرفت دقیق به رهایی آنها از چنگال خرافات و انتخاب ها و تصمیم گیری های آنها در زندگی و در يك کلمه رسیدن به خوشبختی کمک میکند . همچنین ، در سایه این رویکرد ، روابط و قوانین علمی به تدریج کشف شده و رشته های تخصصی علمی تکامل حاصل می کنند . با تکامل علم ، انسان هم به کمال و خوشبختی می رسد .

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب ناتورالیسم یا طبیعت گرایی

هسته شناسی ناتورالیست

بسیاری از طبیعت گرایان متافیزیک یا ماورای طبیعت (خدا ، معنویت ، عوالم دیگر و ...) را یا نفی می کنند یا بسیار کم اهمیت تلقی می کنند . از نظر آنان ، طبیعت نظام احسن و کامل است که تمام هستی و از جمله انسان را در بر می گیرد . طبیعت در حقیقت همانند یک ماشین جهانی عظیم و بسیار منظم است که قوانینی بر آن حکومت می کنند و می توان از همین قوانین بعد از آنکه کشف شدند برای اقتصاد ، جامعه ، آموزش و پرورش و استفاده نمود . به عقیده طبیعت گرایان ، این طبیعت کلی همیشه در حال حرکت است ، اما حرکت آن کند و تدریجی است .

معرفت شناسی ناتورالیست

علم عبارت است از مجموعه قوانین حاکم بر طبیعت به طور کلی و از جمله قوانین حاکم بر طبیعت انسان . این قوانین قابل کشف توسط انسانها هستند . همانگونه که انسان طبیعی در سالهای اولیه زندگی با تجربه مستقیم به تعامل با محیط می پردازد و از آن یاد می گیرد ، راه کشف قوانین طبیعی نیز تجربه مستقیم و استفاده از حواس در تعامل با محیط است . برای تعامل با محیط باید مشاهدات میدانی و گردش های علمی راگسترش داد و حواس را تقویت نمود

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب ناتورالیسم یا طبیعت گرایی

انسان شناسی ناتورالیست

انسان هم جزء کوچکی از همین نظام احسن ، اصیل و کامل است و بنابر این او نیز در حالت طبیعی و دست نخورده اش کامل و اصیل است (انسان واقعی و حقیقی همان انسان طبیعی به دور از دخالت های اجتماع و دیگران است که از آن در ادبیات روسو با نام "وحشی نجیب "یاد می شود) . از دیدگاه روسو ، غرایز ، امیال و علایق اولیه انسان پاک و اصیل هستند و انسانیت او را تشکیل می دهند و نباید آنها را سرکوب کرد (انسانها در بدو تولد با طبیعتی پاک به دنیا می آیند و این اجتماع فاسد است که ممکن است آن طبیعت پاک را خراب کند) .

بزرگسالان نیز چنانچه طبیعت اولیه شان دست خورده ، باید دوباره خود را با همان طبیعت اولیه هماهنگ سازند . بر این اساس ، انسان سه استاد دارد : طبیعت ، اشیا و دیگران و این سه باید با هم هماهنگ باشند . اول باید قوانین طبیعت را کشف نمود و سپس دو تایی دیگر را که در اختیار ما هستند با آنها هماهنگ ساخت . بر رشد همه جانبه انسان نیز قوانین طبیعی حاکم است که باید آنها را کشف نمود و تربیت را بر پایه آنها بنا نهاد .

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب ناتورالیسم یا طبیعت گرایی

استلزامات تربیت ناتورالیسته

از دیدگاه طبیعت گرایان ، هدف تربیت باید آماده ساختن افراد برای پیروی از طبیعت دست نخورده و انسانی شان و قوانین طبیعی کشف شده در همه جنبه های زندگی باشد . پس غرایز ، گرایش ها ، انگیزه ها و نیاز های دست نخورده و طبیعی انسان را که همگی پاک و نیک هستند نباید سرکوب نمود ، بلکه باید آموزش و پرورش را بر اساس آنها بنا نهاد . پس کار تربیت دگرگونی و اصلاح طبع انسان نیست ، بلکه پروراندن همان استعدادها (طبایع) اولیه اوست که در همه انسانها به طور مشترك وجود دارد .

همچنین تربیت نباید به تربیت حرفه ای (درس خواندن برای یادگیری يك شغل در آینده) محدود شود ، بلکه تربیت باید انسان بسازد یعنی او را برای همه شرایط زندگی آماده سازد و چون خود دوره تربیت هم جزئی از زندگی است ، نباید هیچ دوره ای از زندگی را فدای دوره ای دیگر نمود ، یعنی مجبور کردن کودک به گذشتن از زمان حال به خاطر آینده مردود است .

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب اگزیستانسیالیسم یا مکتب اصالت وجود

هسته شناسی اگزیستانسیالیستی

جهان هستي پديده اي بي طرف است و مساله وجود خالق براي آن قابل تشخيص نيست ، پس بحث راجع به اينگونه مسائل را چون بي فايده است بايد به كناري گذاشت (دين در حقيقت يك مساله سليقه اي و شخصي مثل لباس پوشيدن است) . اين جهان بي طرف هدف از پيش تعيين شده اي ندارد و تنها كاري كه انجام مي دهد اين است كه بستري براي انتخابهاي بشر فراهم مي سازد .

انسان شناسی اگزیستانسیالیستی

انسان موجودي است در جهان كه " خود " يا هستي اش بستگي به انتخابهايش دارد . انسان (هر فردي) مطلقا آزاد و صاحب اختيار و انتخاب است و البته هر فردي در قبال انتخابهايش مسئول نيز هست (فردگرایی) . براي انتخاب بهتر ، لازم است ابتدا انسان جهان و حقايق حاكم بر آن و همچنين حق و حقوق خود را بشناسد و در اين راه مبارزه و تلاش كند . او حق شناخت ، دانستن و انتخاب دارد .

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب اگزیستانسیالیسم یا مکتب اصالت وجود

استلزامات تربیت اگزیستانسیالیستی

از دیدگاه وجودگرایان ، آموزش و پرورشی که هدفش یکپارچه سازی همگان و استاندارد سازی است مردود است چون ضد اصل فردگرایی است . همچنین آموزش و پرورشی که هدفش فن آوری و فن سالاری و تولید انسانهای ماشین وار باشد مردود است . آموزش و پرورش با کلاسهای بزرگ و روابط سرد انسانی و ارتباط کم دانش آموزان با یکدیگر و معلم نیز مردود است زیرا چنین وضعیتی سبب کاهش منابع کسب آگاهی می شود . آموزش و پرورش باید معضلات جامعه را افشا کند و به افراد در رابطه به آنها آگاهی ببخشد تا شخص بتواند در پناه این آگاهی ها بهترین انتخابها را برای زندگی اش داشته باشد .

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب پراگماتیسم یا عمل گرایی

مکتب پراگماتیسم یا عمل گرایی

بر اساس دیدگاه های پراگماتیستی یا عمل گرایی ، ایده های متافیزیکی در باره جهان هستی مانند وجود خداوند ، جهان دیگر حیات ابدی یا جاودانگی ، دارای روح بودن جهان هستی و وجود اهداف از پیش تعیین شده برای جهان و زندگی قابل قبول نیستند ، زیرا آن ایده ها در تجربه انسانی قابل تحقق نیستند ؛ بنابراین سخن گفتن از آنها بی فایده و بی معنی است . از دید عمل گرایی همچون دیویی ، جهان هستی جهانی نامطمئن و متغیر و البته رو به تکامل است که ادامه حیات در آن با تهدید روبروست و باید راه مبارزه با مشکلات و معضلات آن را یاد گرفت . در این دیدگاه ، واقعیات و پدیده های طبیعی و مادی برای این نیستند که ما را به سمت ماورای طبیعت و جهان های پر رمز و راز دیگری که مخلوق خداوند هستند سوق دهند ، بلکه از واقعیات هستی برای رفع مشکلات خود طبیعت و انسانها استفاده می کنیم .

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب پراگماتیسم یا عمل گرایی

انسان شناسی پراگماتیست

در راستای نفي دوگانگی ها ، عمل گرایان در مورد انسان هم به وجود دو گانه بدن و روح و همچنین جسم و ذهن برای انسان اعتقادی ندارند . به عقیده آنان ، واقعیت انسان همان چیزی است که از او قابل مشاهده و قابل تجربه است . او موجودی وسیله پرداز و ابزار ساز است . این انسان قادر است خود را به طور شایسته ای با تغییرات و تحولات جهان تطبیق دهد . رقابت بین انسانهای هوشمند سبب می شود تا آنها در در خلال دست و پنجه نرم کردن فعالانه با مسائل موجود در آزمایشگاه طبیعت ، هم حیات خود را تضمین کنند و هم از پله های ترقی بالا روند و جایگاه های اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی متفاوتی را اشغال نمایند (متاثر از داروینیسم اجتماعی) .

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب پراگماتیسم یا عمل گرایی

معرفت شناسی پراگماتیست

عملگرایان اعتقادی به وجود حقایق ثابت و مطلق (متافیزیکی و غیره) ندارند و آنها را عاملی می دانند که ذهن انسان را ایتا و غیر خلاق می نمایند. آنها معتقدند شناخت وجهه ای آزمایشگاهی و تجربی بر پایه روش علمی دارد. در اثر آزمایش و تجربه و آزمودن فرضیه ها حقایق موقتی و نسبی بدست می آیند که دائماً در حال تغییر و بازسازی و کامل شدن هستند. این حقایق موقتی یا بهتر است بگوییم فرضیه ها در موقعیت های جدید و در برخورد با مسائل جدید تغییر می کنند. دیویی معتقد است اعتبار يك فکر فقط هنگامی اعتبار پیدا می کند که در بوته تجربه آزموده شود و درستی آن اثبات گردد. دیویی هوش را نیز توانایی تعریف و حل مسائل می داند که از طریق هم فکری و سهیم شدن با هوش های دیگر قدرت بیشتری کسب می نماید.

مروری بر دیگر مکاتب فلسفه – تربیت

مکتب پراگماتیسم یا عمل گرایی

استلزامات تربیت پراگماتیست

از سویی ، اعتقاد به نسبی گرایی و غیر متافیزیکی بودن ارزش ها نزد عملگرایان سبب شد آنان در مسائل ارزشی و فرهنگی هم به آزمایش گرایی روی بیاورند و اعتبار ارزش ها را منوط به نتایج مثبت و کارایی آنها برای جامعه و فرد بدانند . از سوی دیگر ، نسبی گرایی ارزشی ، اخلاقی و فرهنگی فضای باز دموکراتیک ، کثرت گرایی و مشارکت گروهی در کلاس ها و مدارس را می طلبد .

در زمینه آموزشی نیز عمل گرایان معتقدند هدف آموزش و پرورش باید ترغیب افراد به رشد یعنی بازسازی تجارب آنها در همه زمینه ها (علمی و اجتماعی) باشد . آنها ایده " آموزش و پرورش یعنی آماده کردن بچه ها برای زندگی در آینده " را مردود می دانند . به عقیده آنان ، بچه ها باید در مدرسه مسائل حال و فعلی زندگی فردی و اجتماعی خودشان را به کمک هم دیگر و در قالب فعالیت هایی حل کنند . برنامه درسی مدارس نیز موضوع محور و مبتنی بر تجربه و آزمایش است .